

ورود به سال جدید در خانه‌های ایرانی با آدابی همراه است که مهم‌ترین آنها خانه‌تکانی است. در میان کشورهای مختلف که نوروز را جشن می‌گیرند، این سنت جاری است و در فرهنگ تاجیکستان به خانه‌تکانی، «جاروبندان» می‌گویند

## خانه‌تکانی تنها یک سنت ایرانی نیست درد مشترک دوانشدنی

کردند که در زمان اجرای آن برایشان این میزان کار و زحمت فشرده توجیه‌پذیر باشد و بپذیرند که برای هدفی بهتر، سختی تا این حد را به جان بخرند.

### خانه‌تکانی سوئدی

به نظر می‌آید خانه‌تکانی در سوئد پیش از آنکه سنتی شاد و در استقبال از مسأله‌ای نو باشد، یک آیین آمادگی است. با یا گذاشتن هر سوئدی به سنن کهنسالی خانه‌تکانی سوئدی آغاز می‌شود، وسایل اضافه و غیرضروری را از خانه حذف می‌کنند و این دید وجود دارد که افرادی که عزادار شما هستند توانایی جابه‌جایی یا تمیز کردن وسایل شما را ندارند. به نظر می‌آید خانه‌تکانی ایرانی با وجود سختی‌هایی که دارد، دورنمای جذاب‌تری از خانه‌تکانی سوئدی دارد البته این نکته که در فرهنگ سوئد، وسایل را پیش از کهنه شدن هدیه بدهند به جای آنکه در زمان خرابی دور بیندازند، هم مسأله قابل تأملی است.

### خانه‌تکانی در آسیای شرقی

در چین و ویتنام، قبل از شروع مراسم جشن‌های سال نو، یعنی پیش از رسیدن به غذاهای خوشمزه، بازی‌های سرگرم‌کننده و پاکت‌های کوچک و قرمز پول عیدی، باید خانه‌ها تمیز شوند. جارو می‌کشند، گردگیری می‌کنند، می‌شویند و به طور کامل مراسم خانه‌تکانی را انجام می‌دهند تا خودشان را برای یک سال خوب آماده کنند. رسم در چین و تایلند اینگونه است که این کارها باید قبل از سال جدید انجام شود. نظافت در روز عید هم ممنوع است. حتی روز سال نو نباید یک سطل زباله را بیرون ببرند، چرا که انجام این کار به این معنی است که تمام خوش‌شانسی که در آغاز سال جدید به آن شخص رسیده با همان یک سطل آشغال از خانه‌اش خارج شده و او را بدرود می‌گوید، او می‌ماند و یک‌سال بدشانسی بدشانسی.



### خانه‌تکانی در گواتمالا

همه سنت‌های خانه‌تکانی تنها با تمیزکاری و شست‌وشو همراه نیست و در برخی از فرهنگ‌ها که اعتقاد عمیقی به پاکیزگی دارند تنها به شست‌وشو با آب و گردگیری اکتفا نمی‌کنند و حتی پای آتش را برای از بین بردن آلودگی‌ها به میان می‌کشند. جشنواره «سوزاندن شیطان» هر ساله در گواتمالا برگزار می‌شود. در ۷ دسامبر، مردم مجسمه‌هایی را با نماد شیطان می‌سوزانند، همچنین زیاده‌های خود را نیز می‌سوزانند و خانه‌های خود را از خاک و زباله پاک می‌کنند. برخی از شهرهای گواتمالا برنامه‌های آتش‌بازی و پوشیدن لباس مبدل و ایجاد آتش‌های بزرگ برای سوزاندن شیطان را هم در برنامه دارند. جالب اینجاست که عنصر اصلی در این فرهنگ خانه‌تکانی، «آتش» است.

زهرا صالحی‌نیا  
نویسنده

به نظر می‌آید که نیاکان ما در ایران باستان از تکنیک‌های مدیریت زمان بهره‌اندکی برده بودند. چرا که تمام تلاشی که باید طی سال برای پاکیزگی محل زندگی خود به کار می‌بستند را ماکول به روزهای منتهی به عید باستانی نوروز می‌کردند و همین شد که رسم خانه‌تکانی در ماه آخر سال در میان ما نیز چنان پرقوت باقی بماند.

### خانه‌تکانی

ورود به سال جدید در خانه‌های ایرانی با آدابی همراه است که مهم‌ترین آنها خانه‌تکانی است. در میان کشورهای مختلف که نوروز را جشن می‌گیرند، این سنت جاری است و در فرهنگ تاجیکستان به خانه‌تکانی، «جاروبندان» می‌گویند.

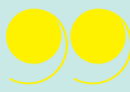
خانه‌تکانی در فرهنگ ایرانی، یعنی ژفت و روب هر آنچه در خانه است، ریز و درشت و نزدیک و دور. چنان با جدیت این رسم از سمت خانواده‌های ایرانی دنبال می‌شود که به نظر می‌آید عمونوروز پیش از آنکه بیک شادی و خبر بهار باشد، مسئول سازمان بهداشت خانه‌های منتظر نوروز است.

مسأله پاکیزه کردن محل زندگی به مناسبت خاصی نه فقط منحصر به فرهنگ ایرانی است، بلکه در فرهنگ‌ها و کشورهای دیگر نیز در موقعیت‌هایی، چنین رسمی را اجرا می‌کنند.

### فنگ‌شویی

فنگ‌شویی ریشه در فرهنگ کشور چین دارد اما در حال حاضر در سراسر دنیا شناخته شده است و طرفداران بسیاری نیز دارد. فنگ‌شویی، به چیدمان درست اشیاء در محیط برای تعادل انرژی می‌پردازد و از بی‌نظمی و انباشت جلوگیری کرده و در واقع مسیر حرکت باد و آب را سد نمی‌کند. فنگ‌شویی در لغت به معنی آب و باد است. فنگ‌شویی به دنبال رسیدن به چیدمانی است که در آن میان انرژی‌های داخل خانه تعادل ایجاد کند. نسبت فنگ‌شویی و خانه‌تکانی نزدیک عید نسبت نزدیکی است که هر دو پس از مدت طولانی استفاده از یک چیدمان یا جمع شدن آلودگی و همچنین وسایل اضافه در خانه شروع به پاکسازی و تغییرات می‌کنند.

شاید نیاکان ما در رفت و آمد با یکدیگر هرکدام خانه‌تکانی را به گونه‌ای تئوریزه



بذاریم برای رسیدگی شخصی و دوباره سرچال شدن. البته کاری که همیشه تا سال تحویل طول می‌کشد، چیدن هفت‌سینه.

بعد نگاهی به دست‌هاش کرد و با خنده و لحن شوخی ادامه داد: «باید جوری برنامه‌ریزی کرد که نوبت ماینکور بعد از تمام شدن کارهای خونه‌تکونی باشه.» شیرین جان هم خندید و بعد گفت: «ولی من هیچ‌وقت برنامه‌ریزی نکردم، یه روز گیرش می‌افتم و تا گردن توش گیر می‌کنم. نشستم یک‌هو به چشم میاد که وای پرده چقدر دوده گرفته، پرده را پایین میارم و به خودم میارم می‌بینم وسط خونه‌تکونی‌ام و دارم همه‌چیز رو تمیز می‌کنم. هرسال به خودم می‌گم، امسال زنگ بزنگ کمک‌کار بیاد ولی پیدا نمیشه.»

کدام قسمت خانه‌تکانی از همه سخت‌تر است؟

شیرین جان گفت: «کمد و کسوها از همه سخت‌تره بعد از اون آشپزخونه. آشپزخونه تمومی نداره، تا هروقت کار کنی کار هست.»

فرزانه‌جان اما نظر دیگری داشت و گفت: «من چون یکی یکی انجام می‌دهم خیلی سخت و کلافه‌کننده نمیشه. اما این سال‌ها که معمولاً طبقات بالا زندگی می‌کنیم، سخت‌ترین کار برام شستن پنجره‌هاست، اصلاً دسترسی ندارم. پیش ترها که خودمان فرش می‌شستیم هم شستن قالی‌ها خیلی سخت بود. البته دیوار شستن هم خیلی سخته و من معمولاً سراغش نمی‌رم. اگه برای تمیز کردن یک لکه به دیوار دست بزنی تا کل دیوارهای خونه رو نشوری نمی‌شه بی‌خیالتش بشی.» دوباره جای ریخته‌م و این بار با شیرینی خودچی گذاشتم روی میز و گفتم:

خانه‌تکانی برای شما با نوشدن

وسایل همراه است؟

خانم بهار گفت: «چون وسایل بررسی می‌شوند توی خونه‌تکونی گاهی یک چیزهایی لازمه که عوض بشه، اما اجبار ندارم.»

فرزانه‌جان گفت: «دقیقاً، البته من دوست دارم بعضی چیزها با عید نوبشه. مثلاً دستمال‌های آشپزخونه، سفره، یک سری از وسایل مصرفی مثل سبد و کاسه پلاستیکی و این‌طور چیزها. اما وسایل اصلی رو هروقت لازم باشه تهیه می‌کنم، اسراری ندارم شب عید انجام بدم.»

شیرین جان ادامه داد: «البته، خیلی وقت‌ها این نو کردن وسایل شب عید به خاطر این پیش میاد که مردم عیدی و پاداش و اینها می‌گیرند و دست‌شان بازتره به نسبت برای هزینه کردن در محل‌های لازم. شاید چند ماه پیش به نظرتون رسیده فلان وسیله باید عوض بشه یا خراب شده، اما اون موقع پول نداشتند که بتونند هزینه کنند، صبر می‌کنند تا شب عید که یکم دست‌شون بازتره و اون موقع انجامش می‌دن.»

بعد سری تکان می‌دهد و ادامه می‌دهد: «البته این برای قبلاً بود، الان که آدم مجبوره همه چیز رو تعمیر کنه.» دیگر نزدیک غروب شده بود و من هم برای آخرین سؤال پرسیدم:

اگر یک سال به هر دلیلی نتوانید

خانه‌تکانی کنید، چه حسی خواهید داشت؟

و برای اینکه حس منفی هم به جمع ندهم ادامه دادم: «مثلاً مسافرت باشید.»

خانم بهار خیلی جدی گفت: «وای نه، ناراحت می‌شم. به نظر من آدم باید شب عید خونه خودش بمونه و کارهاش رو انجام بده.»

فرزانه‌جان گفت: «نه والله، من از شرایط لذت می‌برم، اجباری ندارم که حتماً خونه‌تکونی کنم. حالا که اومدم سفر دیگه از مسافرتم کیف می‌کنم.» شیرین جان هم خندید و گفت: «من خوشحال می‌شم که گیر نیفتادم.»



خونه تکونی حس خوبی داره، ترکیب بوی پودر و افشانه آب که حس بارون می‌ده برام اولین نشونه‌های عیده، حس بهار و نوشدن و میهمانی

تکونی تغییر هم داره، مثلاً تابلور و روی دیوار برمی‌داری دستمال بکشی، می‌بینی دیگه دوستش نداری، می‌ری یه تابلوی دیگه میاری جایگزینش کنی. یا مثلاً می‌ری بازار می‌بینی مردم اومدن تا آفتابه‌شون رو هم عوض کنن.»

فرزانه جان، با قاشق برش لیمو را از لیوان جایش خارج کرد و کنار پیش‌دستی گذاشت و در همین حال حرف بقیه را هم تأیید کرد و گفت: «همین دیگه، خونه‌تکونی عمقی‌تره، تمیزکاری اون‌طور نیست»

پرسیدم: تا حالا پیش آمده یک سال خانه‌تکانی تان تا شب عید طول بکشد؟ یا همیشه برنامه‌ریزی

